



ابعاد رشد انسان از منظر قرآن؛ از رشد جسمانی تا عقلی و معنوی

انسان در جهان در مسیر رشد و تکامل قرار دارد و هدف نهایی رسیدن به قرب الهی می باشد و در این راه از ابزار جسم و روح بهره می گیرد...

انسان در جهان در مسیر رشد و تکامل قرار دارد و هدف نهایی رسیدن به قرب الهی می باشد و در این راه از ابزار جسم و روح بهره می گیرد تا رشد یابد و به تعالی برسد. به گزارش خبرگزاری مهر، از جمله موضوعات مطرح شده در قرآن، مراحل حیات انسان و شناخت ابعاد و جودی او در مسیر رشد و تکامل می باشد و خداوند متعال انسان را موجودی معرفی می نماید که در حیات خویش مراحل را طی نموده و در مسیر رشد و تحول قرار گرفته و منشا و مسیر و مقصود حرکت او نیز مشخص گردیده است.

بررسی ابعاد رشد انسان در حقیقت بررسی خصوصیات و قابلیت های انسان از جنبه جسمانی، عقلی و روحانی می باشد. چرا که انسان از يك بعد مادی است که اعضای بدن و شکل و قوای تفکر و عقلانی او را شامل می شود و بعد دیگرش بعد معنوی است که از جانب حق تعالی در نهاد انسان قرار گرفته تا در مسیر زندگی دنیا پرورش یافته و سرانجام به سوی حق و به سر منزل مقصود باز گردد. رشد و تکامل انسان هم در بعد جسمانی و عقلانی و هم در بعد روحانی و معنوی به وقوع می پیوندد که از دیدگاه قرآن و روایات به آنان می پردازیم.

رشد جسمانی

از مشخص ترین و محسوس ترین جنبه های رشد رشد بدنی است که از دوران قبل از تولد آغاز می گردد و بعد از تولد در يك نظم و آهنگ خاصی جریان می یابد و تحولاتی را در فرد به وجود می آورد. بدن انسان به گونه ای متناسب و متوازن در هر يك از مراحل رشد و نمو می نماید.

در قرآن نیز رشد جسمانی مطرح گردیده است که بیشتر نظر به بیان "مراحل رشد" می باشد. در سوره غافر به مراحل تطور خلقت انسان از خاک و سپس دوران جنینی و بعد دوران طفولیت و بعد بلوغ و جوانی که مراحل تکامل قوای جسمانی است مطرح می گردد و سپس مرحله پیری تا هنگام مرگ، که این نشانه ها انسان را وادار به تعقل می کند تا از این آیات و نشانه ها به وجود حق تعالی برسد.

مراحل جنینی و ریزه کاریهای آن نیز در قرآن مکرر مطرح گردیده که باز هم هدف هدایت و رشد روح و روان انسان می باشد. به طور کلی می توان گفت اشاره به رشد جسمانی انسان در قرآن در حقیقت به منظور هدایت و کمک رساندن به او برای رشد معنوی و کسب سعادت اخروی می باشد.

رشد عقلی

"یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و تمایل به نکاح پیدا کنند آنگاه اگر آنان را دانا به درک مصالح زندگانی خود یافتید اموالشان را به آنها باز دهید". در این آیه (آیه 6 سوره نساء) کلمه رشد به معنای پختگی و رسیده شدن میوه عقل است. در این آیه ابتدا بلوغ جنسی و توانایی نکاح مطرح می گردد که همان اوان تکلیف و مسئولیت ها درباره شناخت اصول عبادات، مسئولیت واجبات و محرمات است که از لوازم عقل فطری است و این کافی برای ورود به زندگی و تصرفات مالی نیست پس شرط دیگری می یابد که همان رشد است.

بلوغ جنسی شرط لازم برای ازدواج می باشد ولی شرط کافی نیست، بلکه باید با امتحان مشاهده شود که فرد پذیرش مسئولیت را دارد و به رشد عقلی رسیده است.

در مورد چگونگی آزمایش آیه شریفه فعل "انستم" از مصدر "ایناس" به کار برده که یعنی این آزمایش باید از زمان تمیز دادن همچنان ادامه داشته باشد تا به سن ازدواج برسد، آنگاه اگر دیدید رشد عقلی یافته، مالش را به دست خودش بدهید.

پس این تعبیر تا حدی دلالت بر استمرار آزمایش دارد و این را می رساند که کودک یتیم وقتی که می خواهد به حد تمیز و عقل برسد، یعنی به حدی برسد که بشود مورد آزمایشش قرار داد او را مورد آزمایش قرار دهید و این آزمایش تا حد ازدواج و مرد شدن ادامه

داشته باشد. بلکه باید این آزمایش تکرار شود تا ایناس یعنی مشاهده رشد کودک حاصل گردد.

بنابراین در این آیه شریفه "رشد عقلي" مطرح گردیده به عنوان یکی از شرط های لازم برای ازدواج و کسی که قدرت عقلش به اندازه ای باشد که بتواند در اموال خود تصرف کند و آنها را هدر ندهد؛ قدرت بر اداره امور خانوادگی نیز دارد و برای ازدواج فقط توانایی جنسی کافی نیست بلکه عقل و روان نیز باید به حدی از رشد و بلوغ رسیده باشد و اما در مورد رشد عقلي در روایات نیز اهمیت عقل و بهره گیری از آن و کمال عقلي وارد شده است.

رشد معنوي

انسان در این جهان در مسیر رشد و تکامل قرار دارد و هدف نهایی رسیدن به قرب الهی می باشد و در این راه از ابزار جسم و روح بهره می گیرد تا رشد یابد و به تعالی برسد.

رشد حقیقی در قرآن، رشد معنوي، رشد ایمان و تکامل اخلاقی می باشد. جنبه ای که انسان باید با اختیار خودش آن را کسب نماید و مدارج آن را بپیماید، و گرنه تمام انسانها در مراحل خلقت و رشد جسمانی یکسانند و آنچه یکی را بر دیگری ممتاز می گرداند درجه رشد ایمان و تقوي می باشد.

بنابراین می توانیم بگوییم اولاً تمام انسانها بر مبنای فطرت در مسیر رشد قرار دارند. ثانیاً زمانی که انسان قدرت فکری لازم را برای انتخاب راه درست و حق از راه نادرست و باطل پیدا کرد، باید بر اساس انتخاب و اختیار خود راه رشد را بر گزینند و راه رشد و راه غی را خداوند فقط تبیین نموده و انسان باید یکی را بر گزیند و اکراه و اجباری هم در کار نیست.